

نقش و جایگاه شهید حسن باقری

* در جنگ هشت ساله

تبیین اندیشه‌های بلند و دفاعی این شهید بزرگوار قدیمی
بردارم.

بحث خود را دلیل دو موضوع کلی مطرح می‌کنم.
نخستین موضوع درباره جنگ و اسایه اندیشه‌های ایشان در
هشت سال دفاع مقدس و تحوه برخورد جامعه و
اندیشمندان کشور در قبال آن؛ و موضوع دوم راجع به
شخصیت شهید بزرگوار شهید حسن باقری است. بیش از
دو دهه از آغاز نجائز سراسری ارتش عراق به ایران اسلامی
و بیش از سیزده سال از پایان آن من گذرد، در طول این مدت،
مسئله جنگ و تحوه برخورد با آن یکی از اساسی‌ترین و
محروم‌ترین مسائل فراز روی جامعه و اندیشمندان سیاسی،
نظامی و فرهنگی بوده است. وقوع جنگ به علت ماهبت،
اهداف و ابعادش به طور عمیقی ملت ایران را تحت تأثیر
قرار داد. با توجه به شرایط خاصی که پس از پیروزی انقلاب
اسلامی با آن رویه رو بودیم و نیز به دلیل فاصله اندک بین
پیروزی انقلاب تا جنگ و حضور گسترده نیروهای مردمی
در صحنه‌های مختلف، طولانی شدن مدت مبارزه، و ابعاد و
دامنه آن، جنگ به روز تحولات زیادی در عرصه‌های
مختلف منجر شد. دوستان و محققان ما در سپاه این سیزده
سال پس از جنگ را به دو دوره تقسیم نمی‌کردند. نخست
دوران پنج ساله‌ای که بلا فاصله بعد از پایان جنگ آغاز و
به بوعی غفلت از دوران جنگ تلقی می‌شود که متاز از
مباحث توسعه اقتصادی و فاصله‌ای است که کشور از

اشاره

بزرگداشت یاد و حافظه شهیدان جنگ هشت ساله، تقدیر از فرهنگ
شهادت و ایثار و یاوری، در دفعه از وطن است که مط سالهای اخیر، به
شکل‌های گوناگون برگزار می‌شود. در نوزدهمین سالگرد شهادت شهید
حسن باقری، اندیشه‌ها و خدمات این شهید بزرگوار بوسی و باد و
حاضر، این شهید گرامی داشته شد. وی یکی از جهودهای برجهست
فرهنگ‌هان جنگ بود که با برخورد از نوع بالای فکری به سرعت
رشد گرد و با راه انداری واحد افلاطونیات و حملیات سپاه در برابل جنگ،
نقش مؤثری در سازماندهی نیروهای مردمی رهایت عملانها بر عهده
گرفت. سندی که در زیر می‌آید، مبنی سخنرانی سردار غلامعلی رشید،
جانشین فرماندهی ستاد کل نیروهای مسلح، است که در کنگره احیای
الدیث و تقدیر سرلشکر شهید حسن باقری او اذکره است.

بسم... الرحمن الرحيم... همان طور که سردار
جعفری اشاره کردند، امسال و سالهای گذشته به ابتکار
سردار رضابی، فرمانده سایپ سپاه و سردار صفوی، فرمانده
سپاه کنگره‌هایی در راستای تبیین اندیشه‌های سرداران
شهید در شهرها و استانها تنظیم شد و جمعی از شواهران و
برادران عزیز در راستای تداوم راه شهدا تلاش کردند در
این میان، شهید یاثری مظلوم مانده و برای وی یادبودی
برگزار شده بود تا اینکه امسال این مسئولیت بر عهده من
گذاشته شد؛ مسئولیتی که با کمال میل پذیرفت و تمام
تلایشم این است که ان شاهادا... تا سال آینده بتوانم در راستای

* سخنرانی سردار رشید به مناسبت سالگرد شهید حسن باقری در بهمن ماه سال ۱۳۸۰



مطالعه تاریخ هشت ساله دفاع مقدس تصویر روشی را از شخصیت‌های برجسته‌ای که مسئولیت جنگ بر عهده آنها بوده است، به ما ارائه می‌دهد. البته، برای دستیابی‌بین امر باید کلیت تاریخ هشت ساله دفاع مقدس را از دیدگاه عمومی تو و کلی تری بررسی کنیم

نمی‌توانیم صرفاً با تکیه بر ابعاد حماسی و عاطفی جنگ، ارزش‌های دفاع مقدس و راه شهدا را ادامه دهیم. درست است که ابعاد حماسی و عاطفی جنگ در زمان وقوع آن کار کرد بیشتری داشت، اما در چنین ایامی که سیزده سال از پایان جنگ می‌گذرد، باید در همه ابعاد، از جمله در برجسته کردن وجه عقلانی جنگ تحولی را در خود پدید آوریم، چرا که در زمان جنگ، حقیناً جوهر و ذات آن امری عقلانی بود، بسیاری از تصمیمات سیاسی - نظامی مبنی بر محاسبات علمی و عقلانی چندین ماه به طول می‌انجامید؛ بعدهی که باید بر جسته و بیان شود. در واقع، با روایت صحیح از جنگ مظلومیت‌ها و حماسه‌ها نشان داده می‌شود و با پاسخ به پرسنل‌های که در طول این سیزده سال برای نوجوانان، بسوانان و همه مردم درباره جنگ پدید آمده است با پرایی نمایشگاه، گتگره و پایر هیز از سطحی گرانی و ظاهر گرانی حقایق جنگ روشی می‌شود. در واقع، باید از روشنایی که به صورت اجرایی فرهنگ دفاع مقدس را گسترش می‌دهد، خودداری کنیم و با نگاه، جسورانه‌ای به جنگ، ناکفته‌ها و حقایق آن را که در دل سرداران و امراه ارتش و رزمدانگان نهفته است، بازگو کنیم تا تحولی که باید رخ دهد نا در تیجه آن، احیای هر چه بیشتر ارزش‌های دفاع مقدس را شاهد باشیم. اما درباره خود شخصیت بزرگوار شهید حسن باقری باید گفت که با توجه به فرست کمی که در اینجا وجود دارد، با روش جدیدی به تعیین نقش جایگاه شهید باقری در جنگ می‌پردازیم؛ روشی که باید بیشتر روی آن کار انجام شود و انشاء... در بیشترین سال‌گرد شهادت این بزرگوار در بهمن ماه سال ۱۳۸۱ به طور

جنگ می‌گیرد؛ موضوعی که جای تأمل دارد، چرا که هنوز عزیزان ما در چنگال رژیم عراق اسیرند و هیچ گونه قرارداد صلحی بین ما و عراقها منعقد نشده است. پس از این دوران، دوره دوم آغاز می‌شود که ما آن را دور، رجوع مجدد می‌ناییم؛ دورانی که از سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ رويکردی ارزشی نسبت به جنگ و متأثر از ناهنجاری‌هایی که از اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و تهاجم فرهنگی دشمن پدید می‌آید، آغاز می‌شود. مقام معظم رهبری در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ نظریه تهاجم فرهنگی را مطرح می‌کنند. متأثر از این دوره، دو نگرش نسبت به جنگ در طول این سیزده سال بعد از جنگ به وجود می‌آید. نگرش نخست، نگرشی فرهنگی و ارزشی نسبت به جنگ است و تلاش سیاسی فرهنگی برای ساماندهی اوضاع در چهارچوب همان فرهنگ دفاع مقدس محسوب می‌شود که به صاحیان جنگ، یعنی رزمدانگان، فرماندهان ارتش و سپاه، خاتواده‌های شهدا، در دستان انقلاب و کسانی که دغدغه ادامه راه امام و راه شهدا را دارند، متعلق است و نگرش دوم، نگرشی است که در طول این سیزده سال فرصت حضور پیدا کرده و به اعتقاد ما، در ده نخست انقلاب نیز دیده می‌شد. برای نمونه، به یاد دارم که گاهی، برخی از کسانی که همین نگرش، یعنی عدم اعتقاد به بازسازی ارزش‌های دفاع مقدس را دارند، در آن ایام نیز، هنگام حضور موقت در جبهه، پیشنهاد عقب نشینی و پایان دادن به جنگ را رانه می‌دادند. حقیقت این نگرش، جنگ به پایان رسیده و اوضاع تغییر کرده است؛ بنابراین، اعاده ارزش‌های دفاع مقدس امکان‌پذیر نیست. البته، نگرش نخست باید تغییر و تحولی در نحوه برخورده با جنگ و احیای ارزش‌های دفاع مقدس در خود پدید آورد، چرا که

مدارک نیز فاصله گرفت؛ موضوعی که به آن معتقد نیستیم، زیرا، از نظر ما، استاد و مدارک، حقایق انکار ناپذیر جنگ اند و براساس استاد و مدارک باقی مانده از شهدا می‌توانیم تحولات جنگ را باز خوانی کنیم.

مطالعه تاریخ هشت ساله دفاع مقدس تصویر روشنی را از شخصیت‌های بر جسته‌ای که مسئولیت جنگ بر عهده آنها بوده است، به ما ارائه می‌دهد. البته، برای دست یابی بدین

کامل تری ارائه خواهد شد. عنوان کلی این روش که به کمک دوستان و محققان ما در سهاه تنظیم شده است بازخوانی تحولات سیاسی- نظامی جنگ براساس اصول و چهار جوب کلی با تعین نقش و جایگاه شهید باقی در جنگ است. البته، این عنوان را می‌توانیم به صورت سرداران شهید و بازخوانی تحولات سیاسی- نظامی جنگ به دیگر سرداران شهید نیز تعیین دهیم. بدین ترتیب، با این

با توجه به شرایط خاصی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آن روبه رو بودیم و نیز به دلیل فاصله اندک بین پیروزی انقلاب تا جنگ و حضور گسترده نیروهای مردمی در صحنه‌های مختلف، طولانی شدن مدت مبارزه و ابعاد و دامنه آن، جنگ به پروژ تحولات زیادی در عرصه‌های مختلف منجر شد

امر باید کلبت تاریخ هشت ساله دفاع مقدس را از دیدگاه عمومی تر و کلی تری بررسی کنیم، امید است که روش به کار گرفته شده در قال شهید باقی ما را به این تابع برساند، یعنی هم به خود شخصیت و نقش این شهید بزرگوار در جنگ پی ببریم و هم با شبیدن حقایق جنگ از زبان وی به درک و فهم بهتری از کلبت جنگ دست یابیم. نکته دیگری که لازم است درباره سرداران شهید رعایت شود، اینکه تبادل این فرماندهان را به گزنه‌ای دست نیافتنی معرفی کنیم، به طوری که نسل نوجوان و جوان ما احساس کند از ادامه راه آنها عاجز است. در این راستا، با به کارگیری روش مزبور در قبال شهید باقی می‌توانیم به پرستهای زیر پاسخ دهیم؛ چگونه والدین بزرگوار این شهید در تربیت اسلامی وی نقش داشتند و ساختار ذهن و بینان فکری و اعتقادی او را شکل دادند؟ چگونه این تربیت اسلامی در دوران جوانی و نوجوانی وکوکی او شکل گرفت؟ چگونه به انقلاب وارد شد؟ آغاز جنگ به چه صورت بود و چگونه بر ما تحمیل شد؟ علل ناکامی ایران در شش ماهه نخست جنگ و عل موقوفیت آن در سال دوم و سوم جنگ چه بود؟ چرا ماما در خرمنهر مذاومت و در نخستین روزهای جنگ، در مقابل دشمن عقب نشینی کردیم؟

شهید باقی می‌تواند نقش محوری و ساسی برادران عزیز آفایان محسن رضایی، فرمانده سابق کل سپاه؛ رحیم صفوی، فرمانده کل سپاه؛ عزیز جعفری؛ احمد متولیان؛ مرتضی صفاری؛ و شهدا لی چون حسید شیرازی و نیاکنی را برای ماروشن کند. برای نمونه، من سردار قسم سلیمانی را که در حال حاضر فرمانده نیروی قدس سپاه است، نمی‌شناختم تا اینکه در سال ۱۳۶۰ شهید باقی در

روشن می‌توانیم گام بلندی در راستای تبیین اندیشه‌های این شهید بزرگوار برداشیم. انجام این اقدام از دو طریق امکان پذیر است، یعنی هم می‌توانیم با تبیین و توصیف نقش و جایگاه شهید باقی تحولات سیاسی- نظامی را بازخوانی کنیم و هم از طریق بازخوانی تحولات سیاسی- نظامی جنگ، به نقش بر جسته شهید باقی دست باییم. در واقع، در صورت به کارگیری درست این روش غریبه شهید باقی از یک طرف، به تحولات سیاسی- نظامی و از طرف دیگر، به نیروهای مجرک و قدرت دفاعی جدید ایران پی خواهیم برد و حتی به تجویز و ارائه چه باید کرد نیز دست می‌باییم. بخش اعظمی از استاد و مدارک که در اختیار داریم در گرو شناخت زندگی عارفانه و پرشکوه انسانهای بزرگی، مانند شهید باقی نهفته است؛ بنابراین، باید برای بازخوانی تحولات جنگ این استاد و مدارک را بررسی کنیم. انشاء... به کمک این روش تاریخ جنگ نیز بیان می‌شود؛ زیرا، ممکن است حقیقت این تاریخ نیز مانند تاریخهای دیگر پوشیده باشد؛ بنابراین، دیگر برای دستیابی به حقایق جنگ یا باید به سراغ سردارانی که در جنگ نقش داشته اند و در حال حاضر، نیز در قید حیات اند یا سرداران شهیدی، مانند شهید باقی که قلم توانی داشته‌اند، برویم. در این راستا، ۷۵۰ صفحه دست نوشته، منبع عظیمی است که در آن، شهید باقی کاریان و تفسیر جنگ را به عهده گرفته است.

آن فاصله‌ای هم که مورخان گفته‌اند برای تغییر اهم از مهم و اصل از فرع باید از بک حداثه ناریخی به انداره یک نسل زمان بگذرد، به نظر می‌رسد تا حدودی سبزی شده است، البته، برخی از مورخان معتقدند که باید از استاد و

سپاه در کنار یکدیگر دشمن را تجزیه و تحلیل می‌کردند و پس از شش ماه تا یکسال بعد، نتایج کار ایشان، یعنی بینان گذاری سازمان اطلاعاتی سپاه و ترسیم وضعیت موجود دشمن و چشم‌انداز آینده و تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی که اساساً تمام عملیات‌ها بود، معلوم شد. نکته در خور توجه آنکه شهید باقری براساس اطلاعات، تحرکات دشمن را پیش‌بینی نیز می‌کرد. برای نمونه، زمانی که شهید نیاکنی فرمانده لشکر ۹۲ زرهی شده بود، یک شب طی تعاملی با برادر صفوی، تشکیل جلسه‌ای را حواستار شد. بدین ترتیب، من به همراه برادر صفوی و شهید باقری در مقبر لشکر ۹۲ حاضر شدیم. در این زمان که ششین ماه از جنگ را پشت سر می‌گذاشتیم، پیش از هر چیز از وضعیت دشمن نگران بودیم و شهید باقری توانست به بهترین نحوی وضعیت دشمن را توصیف کند وی همچنین، پیش‌بینی کرد که خلاً موجود بین لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۹ زرهی دشمن بین استان و هویزه به زودی طرف دوناسه هفته آینده برطرف خواهد شد. اما شهید نیاکنی این پیش‌بینی را رد و عنوان کرد که رودخانه تیسان و کرخه کور مانع از این اقدام خواهد شد. شهید باقری در پاسخ به ایشان گفت دشمن با احدث پل بر روی رودخانه این خلاً را بر خواهد کرد. پس از دو هفته، پیش‌بینی شهید باقری درباره تحرکات دشمن به وقوع پیوست؛ بنابراین، کاری که شهید باقری انجام داد، از سلطه روانی دشمن بر مکاست و زمینه در هم شکستن آن را با توجه به اعتماد به نفس، که از شناخت دشمن به ما داده بود، فراهم آورد. در واقع وی به صورت اساسی، در پایه گذاری و بینان گذاری بخشی از ساختارهای جنگ نقش داشت.

یادداشت‌هایتان از برادری نام برد که از اطراف کرخه کور به سمت نیسان نزدیک می‌شود و فرماندهی گردن عده‌ای از بجهه‌های کرمان را بر عهده دارد؛ انسان با شهامتی که می‌تواند فرمانده تیپ شود، پس از این، زمانی که برادر محسن رضایی در حال تشکیل تیپ جدید بود، شهید باقری برادر سلیمانی را به وی پیشنهاد کرد. بدین ترتیب، حکم فرماندهی تیپ ۴۱ ثارا... به ایشان داده شد. این امر نشان می‌دهد که شهید باقری در گلف سیاری از فرماندهان مؤثر بود. برای تعیین نقش شهید باقری در جنگ می‌ترانیم از روش بازخوانی تحولات سیاسی - نظامی جنگ استفاده کنیم، پنج محور اساسی که باید روی آنها کار نمود، عبارت اند از: ۱) چهارچوب کلی؛^(۲) ۲) شناخت صحیح از دشمن؛^(۳) ۳) تعیین راه برد کلی؛^(۴) ۴) تعیین استراتژی عملیاتی؛ و ۵) پسیج منابع و نیروهای انسانی و فرماندهی در صحنه عمل. همچنین، باید نقش شهید باقری در این پنج محور نیز بررسی شود. در مورد نکته نخست، باید گفت که غالباًگیری در برابر تهاجم دشمن به اشغال پختهایی از غرب کشور منجر شد. در نتیجه، در نخستین سال جنگ، با مغصل سلطه متگین روانی و فیزیکی دشمن رونه رو شدیم. در شش ماهه نخست آن سال، همه از سایه متگین نظامی دشمن هراسان بودند. آنها افزون برآنکه شهرهای خرمشهر، بشان، مویان، دهلران، قصر شیرین را در اشغال خود داشتند، بعضی از شهرها، مانند آبادان و نیز محاصره کرده و تا پانزده کیلومتری جنوب غرب اهواز پیش آمدند. در بعضی از محورها، دشمن هنوز حالت تهاجمی داشت، نه دقاعی. حال این پرسش مطرح است که نقش شهید باقری در این مورد چه بود؟ وی در نخستین کام، به شناخت

درست از دشمن چه بود؟ در واقع، مشخص کردن نحوه آرایش و استقرار دشمن ضروری و لازم است و شهید باقری خود، بینان گذار اطلاعات سپاه در جنگ بود. از دهلران تا آبادان پانزده تا بیست محور عملیاتی وجود داشت و وی اما افراد مستقر در این محورها در ارتباط بود و هفته‌ای یکبار در گلف با آنها تشکیل جلسه می‌داد. همچنین هفته‌ای یکبار نیز با ارتیشان جلسه داشت و بدین ترتیب، ارتش و



نکته چهارم نقش شهید باقیری در بسیج منابع و امکانات و نبروی انسانی است. یکی از ویژگیهای هر استراتژی توجه به امکانات و منابع موجود در کشور است: موضوع مهمی که در نش ماهه نخست جنگ، از آن غفلت شده بود؛ زیرا، پنی صدر از مشارکت نبروی های مردمی و سپاه با ارتش در صحنه جنگ جلوگیری می کرد؛ بنابراین، شهید باقیری مانند دیگر فرماندهان برایه شناختی که از تحولات سیاسی - اجتماعی و الکترونی پیروزی انقلاب اسلامی با حضور گسترده نبروی های مردمی داشت، به این منبع عطیه توجه و در جذب، آموزش، به کارگیری و سازماندهی نبروی های مردمی کمک کرد؛ اما این کافی نبود و مشکل را حل نمی کرد؛ زیرا، برادران بسیجی به راحتی فرماندهی کسی را نمی پذیرفتند. در واقع، آنها فرماندهی می خواستند که روحیه بسیجی داشته باشد. بدین ترتیب، هر فرماندهی که روحیه و حلق و حوي بسیجی بیشتری داشت و رلتار او امکان ارتباط با بسیجی را فراهم می آورد، موفق تر بود و شهید باقیری کسی بود که از عهده این کار به خوبی برآمد، یعنی روحیه و خلق و خوی بسیجی و رفشار و تربیت صحیح اسلامی داشت که برای بسیجان واقعاً جذاب بود. در نتیجه، با بسیجان به راحتی ارتباط برقرار می کرد. وی فرماندهی لشکرهای ۲۷ حضرت رسول (ص)، ۵ نصر، ۳۱ عاشورا، ۱۴ امام حسین (ع) و ۷ ولی عصر را بر عهده داشت. و در هر فرصتی برای بسیجان مخترنی می کرد و بیچیده تربیت مفاهیم نظامی را به زبان بسیار ساده برای آنها نوضیغ می داد و به راحتی به آنها تفهمی می کرد که در جه مرحله ای از جنگ قرار داریم و الان شما چه کار

حال این پرسش مطرح است که نقش شهید باقیری در پیروزی در جنگ چه بود. در پاسخ بدین پرسش باید گفت در این مورد نیز، اقدامات وی بر اطلاعات صحیح از دشمن و خودی مبتنی است. با توجه به بنیت موجود در شش ماهه نخست جنگ و عدم موفقیت ما در بسیاری از عملیاتهای شهید باقیری با شناختی که از تحولات سیاسی - نظامی داشت، ضرورت استراتژی جدید را مطرح می کرد شاید این مطلب در حد حرف ساده به نظر برسد، اما در عمل، کار بسیار مشکلی است و شهید باقیری ساعتها و رورهای روی این موضوع کار کرده است: وی در یادداشت‌هایش می تواند: «باید به خودمان جرئت بدیم و شوه جنگ را ماید تغییر بدیم»، بدین ترتیب، وی با جرئت و شهامت طرحش را ارائه می کند و یک‌گیر اجرای آن می شود. نکته سوم نعین استراتژی عملیاتی است، چرا که هم در تهاجم و هم در دفاع به استراتژی بیاز است و اصلًا صحنه جنگ صحنه رویارویی استراتژیستهاست. بعد از شناخت دقیق وضعیت، مقادیرات و ... از خودی و دشمن و اتفاقاً آن با واقعیت باید اقدام به تدوین استراتژی کنیم. روند تکاملی سلسله عملیاتهای محدود که با مستقل بود با به طور مشترک با ارتش اجرا می شدند به شکل گیری دکترین جدید منجر شد که ترتیبی که به طراحی و طرح ریزی عملیاتی نیازمند بود و شهید باقیری برای تمامی عملیاتهای خنی برای عملیاتهای ارتش در شش ماهه نخست جنگ، نیز، به برادران ارتش طرح ارائه می داد، هر چند آن زمان به دلیل حاکم بودن نوعی از مدیریت بر جنگ به پیشنهادات شهید باقیری توجه نمی شد.



۳ و تیپ الشکر ۷۷ از نیروهای ارتش در کنار نیروهای سپاه قرار گرفتند؛ و حدت مبارکی که بیش از ۲۴ ساعت به طول نیستجامید؛ ازیرا، نیروهای عراقی که به مدت بکمال در شرق کارون مستقر بودند، منهدم شدند. به پادشاه فردای روزی که به شرق کارون رسیدیم، شهید باقرقی را در هیئت یک فرمانده تمام خیار با لباس نظامی کامل دیدم و با توجه به عشقی که به این سردار داشتم به شوخي یه ایشان گفتمن که ماشاء... فرمانده درست و حسابی شده‌ای و این لباس هم خیلی به شما من آید حقیقتاً، شهید باقرقی در جنک، نقش بی‌دلیل و فرماندهی به پادماندنی ای از خودش بر جای گذاشت. اگر پیشترم که جنگ محل ظهر و بروز استعدادهای است، باید بگوییم که استعدادهای کم نظر شهید باقرقی در جنگ شکوفا شد، چراکه وی بنیان گذار بخشی از ساختارهای جنگ، مانند اطلاعات و سازمان رزم سپاه بود؛ رژمنده دسوز و معهدی که سازمان رزم کنونی سپاه مدیون و مرهون نلانهای این شهید بزرگوار است. در واقع، استعدادهای الهی وی با رسیدن به مقام رفیع شهادت به کمال رسید. شهید باقرقی انسان بزرگواری بود که روح بزرگی داشته به قول شهید مطهری، ما روح بزرگی و بزرگواری داریم. بزرگواری نسبت به روح بزرگ مرتبه عالی تری است. شهید مطهری می‌فرماید: «اسکندر و نادر هر دو روح‌های بزرگی داشتند، اما بزرگوار نبودند» اما شهید باقرقی و بسیاری از فرماندهان و امرا و سرداران رشید صحنه‌های پرشکوه دفاع مقدس هم روح بزرگی داشتند و هم بزرگوار بودند و در مقابل کوچک‌ترین بدیها تقوی داشتند؛ عاملی که این گونه انسانها را بزرگ جلوه می‌دهد، به فرمیش حضرت علی(ع) این دلیل چنین موضوعی این است که دنیا در نظر آنها، کوچک است، به امید آنکه بتوانیم در سالهای آینده، کامن در راه احیای اندیشه‌های والا و عمیق سرشکر شهید حسن باقرقی بودیم.

عظیمی را باید انجام بدھید. فرماندهی در صحنه عمل پنجمین مطلبی است که باید نقش شهید باقرقی را در آن برسی کنیم. مقدمات چنین امری به ادراک صحیح از دشمن نیازمند است که در این راستا، شهید باقرقی، خود، سازمان اطلاعاتی سپاه را تیان گذاشت و حتی در زمان فرماندهی، یکی از بر جسته‌ترین عناصر اطلاعاتی بود، به طوری که برادر محسن رضایی، همواره به نظریات اطلاعاتی وی تکیه می‌کرد. زمانی که شهید باقرقی به فرماندهی رسید و دیگر مستول سازمان اطلاعات بود، به طور رسمی بر دکترین و طرحهای عملیاتی مسلط بود، در نتیجه، در تمامی عملیات، طرحی و ایشناه می‌داد. همچنین، از منبع عظیم نیروهای عراقی مردمی آگاه بود و برای سازماندهی و به کارگیری نیروها پسیار تلاش می‌کرد. در واقع، وقتی کسی بود که دشمن، زمین عملیات و خود را می‌شناخت و بر پایه اعتماد به نفس وارد خود، در راستای شکست و در هم کوبیدن داشمن، به بهترین شکلی، نقش فرمانده را افکار کرد. بعد از عملیات فرمانده کل قوا در ۲۱ خردادماه سال ۱۳۶۰، یعنی در عملیات ثامن الائمه در شرق کارون، تقسیم بندی انجام شد، بدین ترتیب که برادر صفوی به دستور شهید کلاه‌دوز، سردار کاظمی را در جبهه فیاضه و شهید باقرقی، شهید خرازی را در محور دارخوین پاری می‌کرد. من هم در کنار سردار اسدی و سردار قربانی در محور استگاه ۷ آبادان قرار گرفته بودم. در هر یک از این محورها نیز، به ترتیب، تیپ ۲ لشکر ۷۷، تیپ

